قرآن مجید

با
منتخب التفسیر تجدید نظر شده جناب آقای مهدی الهی قمشه ای

و در زمین پس از آنکه قوانین آسمانی نظم و اصلاح آن داد بفساد برنخیزید و انکار (یعنی خدا را بیگانگی پرستیدن و با خلق
بعدالت کوشیدن و در وزن خیانت نکردن) برای شما بسیار بهتر است اگر (بخدا و روز قیامت) ایمان دارید
و بهر طریق در گمراه کردن خلق و ترسانیدن و بازداشتن مردم از راه خدا بر نیائید تا هر کس بخدا ایمان آورد براه کج و
ضلالت اندازید و ای مسلمین شما هم بیاد آرید زیرا که عدهٔ قلیلی بودید و دشمنان بسیار. خدا بر عدهٔ شما افزود (و بر دشمن
غلبه داد) و بنگرید عاقبت حال مفسدان چگونه بود (که همه هلاک شدند) تا شما از عمل آنها بپرهیزید و اگر با آنچه من
از طرف خدا مأمور به تبلیغ آن شده‌ام گروهی ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاورده و بخصومت برخاستند شما مؤمنین که
ایمان آورده‌اید صبر پیشه کنید تا خدا میان ما و آنها داوری کند که او بهترین دادخواهان است گروهی از قوم
شعیب که از حکم خدا سرکشی کردند به پیغمبر خود شعیب گفتند ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون میکنیم مگر آنکه بکیش و آئین ما برگردید
شعیب گفت با این نفرت که ما از آئین شما داریم رجوع بآن محالست اگر ما بدین شما (که طریقهٔ شرک و ظلم و
جهل و فساد است) برگردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا بخدا افترا و دروغ بسته‌ایم و هرگز نشود که ما بآئین
باطل شما رجوع کنیم مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد که او پروردگار ما است و بمصالح امتش آگاه است و ما بر او توکل کنیم و از او
فتح و فیروزی طلبیم. پروردگارا تو در نزاع بین ما و امتت بحق ما را فاتح گردان که تو بهترین فیروزی دهنده‌ئی
گروهی از کافران امتش مردم را تهدید کرده و گفتند ای مردم اگر پیروی شعیب کنید البته در زیان خواهید افتاد
پس زلزله بر آنها آغاز گردید بشب را صبح کردند در حالیکه در خانه‌های خود بخاک هلاک افتادند
آنانکه شعیب را تکذیب کردند هلاک شدند و اثری از آنها باقی نماند (و بجای آنکه پیروان شعیب را زیانکار پنداشتند) خود

زیانکار شدند (شعیب پس از آنکه دعوت کرد و از ایمان آوردن قومش ناامید شد) از آن مردم بی ایمان روی گردانید
و گفت: ای قوم من به شما ابلاغ رسالتهای خدا کردم و برای حجت شما را اندرز و نصیحت نمودم (اکنون که کافر شدید)
من چرا بر هلاک کافران غمگین باشم ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به سختی و محن مبتلا
ساختیم تا مگر به درگاه خدا تضرع و زاری کنند سپس آن سختیها را با آسایش و خوشی مبدل کردیم تا بکلی حال
خود را فراموش کرده و گفتند: آن رنج و محن به پدران ما رسید (و ما از آن ایمنیم) ما هم ناگاه آنان را به کیفر اعمالشان
عقاب کردیم در حالیکه از توجه به آن عقاب غافل بودند و چنانکه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و
پرهیزکار میشدند همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها میگشودیم ولکن چون آیات و پیمبران
ما را تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر کردار زشت رسانیدیم آیا اهل شهر و دیار (که به نافرمانی خدا و اعمال
نکوهیده مشغولند) از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما آنها را فرا گیرد آیا اهل شهر و دیار (که
از یاد خدا و طاعت او غافلند) از آن ایمنند که به روز که سرگرم بازیچهٔ دنیا هستند عذاب ما آنها را فرا رسد
آیا از مکر خدا (یعنی آزمایش و مجازات خدا) غافل و ایمن گردیده‌اند که از آن غافل نشوند مگر مردم زیانکار
آیا این مردمی را که بعد از قومی که همه مردند وارث زمین شدند خدا آگاه نفرمود که اگر ما بخواهیم هم آنها را به کیفر
گناهانشان میرسانیم و بر دلهاشان مهر می‌نهیم (که فهم حقایق نکنند) و بگوش دل چیزی (از آیات خدا) نشنوند
و از آن پند نگیرند این است شهرهایی که ما بر تو اخبار اهلش را بیان کردیم همه را رسولانی با ادلهٔ روشن آمد چون از پیش آنها
را تکذیب کرده بآن ایمان نیاوردند همچنین خدا هم (به شقاوت کفر) دلهای کافران را مهر خواهد کرد اکثر مردم آنها را در عهد استوار ندیدیم

الخاسرين فتولى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالات ربي
ونصحت لكم فكيف آسى على قوم كافرين وما ارسلنا في قرية من
نبي الا اخذنا اهلها بالباساء والضراء لعلهم يضرعون ثم بدلنا
مكان السيئة الحسنة حتى عفوا وقالوا قد مس اباءنا الضراء و
السراء فاخذناهم بغتة وهم لا يشعرون ولو ان اهل القرى
امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن
كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون افامن اهل القرى ان ياتيهم
باسنا بياتا وهم نائمون اوامن اهل القرى ان ياتيهم باسنا
ضحى وهم يلعبون افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله الا القوم
الخاسرون اولم يهد للذين يرثون الارض من بعد اهلها ان
لو نشاء اصبناهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون
تلك القرى نقص عليك من انبائها ولقد جاءتهم رسلهم
بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك يطبع
الله على قلوب الكافرين وما وجدنا لاكثرهم من عهد وان

بلکه بیشتر را عهدشکن و بدکار یافتیم (۱۰۲) بعد از آن رسولان باز ما موسی را با آیات و ادله (روشن) بسوی فرعون و قومش
فرستادیم آنها هم با آن آیات مخالفت و سرکشی کردند (پس ما آنان را بکیفر ستمگری و فساد هلاک کردیم) بنگر تا عاقبت بروزگار
آن تبهکاران چه رسید؟ (۱۰۳) و موسی خطاب کرد که ای فرعون محققاً (بدان) که منم فرستاده خدای عالمیان (۱۰۴) سزاوار
آنم که از طرف خدا چیزی جز حق بخلق نگویم دلیلی بس روشن (معجزه بسیار آشکار و حجتی محکم و استوار) از جانب پروردگار عالم برای شما
آوردم پس (تو ای فرعون) بنی اسرائیل را با من بفرست (و از آزار آنان دست بدار) (۱۰۵) فرعون پاسخ داد که ای موسی اگر دلیلی برای صدق
خود (در دعوی رسالت) داری بیار (۱۰۶) موسی هم عصای خود را بیفکند ناگاه آن عصا اژدهائی پدیدار گردید (۱۰۷) و دست از جیب خود برآورد
که ناگاه بینندگان را آفتابی تابان بود (۱۰۸) گروهی از قوم فرعون در آن گفتند که این شخص ساحری سخت ماهر و داناست (۱۰۹) اراده آن دارد که شما را
از سرزمین خود بیرون کند اکنون در کار او چه دستور میدهید (۱۱۰) (پس از مشاوره در امر موسی) قوم فرعون چنین گفتند که موسی و
برادرش (هرون را) زمانی بازدار و اشخاصی بشهرها بفرست (۱۱۱) تا ساحران زبردست و استاد را بحضور تو جمع آورند (و سحر او را
باطل کنند) (۱۱۲) (فرعون را این رأی پسند افتاد و برای جمع آوری ساحران بشهرها کس فرستاد) عده بسیاری ساحران بحضور فرعون گرد
آمده فرعون را گفتند اگر بر موسی غالب آئیم برای ما اجر و مزد شایانی خواهد بود؟ (۱۱۳) فرعون پاسخ داد: بلی علاوه بر آن نزد من از مقربان خواهید
گشت (۱۱۴) (آنگاه که موعد عمل رسید) ساحران بموسی گفتند: اکنون مختاری خواه اول تو عصای خود بیفکن یا ما بساط سحر خویش باز اندازیم
(۱۱۵) موسی (برای اطمینان بخود و اثبات حقانیت خویش پیشدستی را بساحران داد) گفت شما اول اسباب خود بیفکنید
چون بساط خود را ابتدا افکندند جادو کرده چشم خلق بستند که مردم سخت هراسان شدند و سحری بس عظیم و هول انگیز برانگیختند (۱۱۶) بموسی وحی نمودیم که عصای خود بیفکن (چون عصا افکند
معجزه او) هرچه ساحران بافته (و در نظرها پدید آورده) بودند همه را بلعید (۱۱۷) پس (بظهور معجزه) حق ثابت شد و اعمال ساحران همه باطل گردید (۱۱۸)

4114

سورة الأعراف

وجدنا اكثرهم لفاسقين ثم بعثنا من بعدهم موسى بآياتنا
الى فرعون وملائه فظلموا بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين
وقال موسى يا فرعون انى رسول من رب العالمين حقيق على
ان لا اقول على الله الا الحق قد جئتكم ببينة من ربكم فارسل
معى بنى اسرائيل قال ان كنت جئت بآية فأت بها ان كنت من
الصادقين فالقى عصاه فاذا هى ثعبان مبين ونزع يده فاذا
هى بيضاء للناظرين قال الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر
عليم يريد ان يخرجكم من ارضكم فماذا تأمرون قالوا ارجه
واخاه وارسل فى المدائن حاشرين يأتوك بكل ساحر عليم
وجاء السحرة فرعون قالوا ان لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين
قال نعم وانكم لمن المقربين قالوا يا موسى اما ان تلقى واما ان
نكون نحن الملقين قال القوا فلما القوا سحروا اعين الناس واسترهبوهم
وجاؤا بسحر عظيم واوحينا الى موسى ان الق عصاك فاذا هى
تلقف ما يأفكون فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون فغلبوا

ساحران با وجود آن سحر بزرگ از آنجا مغلوب و خوار بازگشتند و در مقابل قدرت خدا (و عظمت معجزه موسی) سجده
افتادند و گفتند ایمان آوردیم بخدای عالمیان خدای موسی و هرون فرعون (سخت برآشفت و) گفت:
چگونه پیش از دستور و اجازه من باو ایمان آوردید همانا (در اینکار) مکری اندیشیده که مردم این شهر را (با موسی علیه من متفق
کرده و) از شهر بیرون کنید پس بزودی خواهید دانست (که شما را چه کیفر دهم)؟ دست و پای شما را بریده و همه را بدار
خواهم آویخت گفتند: ما از مرگ نمیترسیم (زیرا) بسوی خدای خود بازمیگردیم کینه و انتقام تو از ما بجرم
آنست که با آیات خدا (و رسول او) چون آمد ایمان آوردیم بار خدایا بما صبر و شکیبائی ده و ما را با آئین اسلام بمیران
(یعنی با تسلیم و رضای بحکم خدا) بعضی از سران قوم بفرعون گفتند: آیا موسی و قومش را واگذاری تا در این سرزمین
فساد کنند و تو و خدایانت ترا رها کنند فرعون گفت: بزودی (بپاداش و کیفر آنها) پسرانشانرا کشته و زنانرا زنده
گذارده (در رنج و عذاب خدمت و اسارت نگاه دارم) ما بر آنها غالب (و بر هلاک ایشان) مقتدریم
موسی بقوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خدا است و او هر کس از بندگان خواهد وا گذارد
و حسن عاقبت و فیروزی مخصوص اهل تقوی است قوم موسی باو گفتند: ما هم پیش از آمدن (برسالت)
و هم بعد از آن (در هر دو زمان) برنج و شکنجه دشمن بوده ایم موسی گفت (غم مخورید) امید است که خدا دشمن
شما را هلاک نماید و شما را در زمین جانشین او کند آنگاه (در مقام امتحان) بنگرد تا شما چه خواهید کرد ؟
و فرعونیان را سخت بقحط و تنگی معاش و نقص و آفت بر کشت و زرع مبتلی کردیم تا شاید متذکر گردند
(و دست از ظلم بخلق و مخالفت با حق بردارند) پس آنگاه که نیکوئی (و پیش آمد خوشی) بدانها میرسید بشایستگی خود نسبت داده

هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰغِرِيْنَ ۝ وَاُلْقِيَ السَّحَرَةُ سٰجِدِيْنَ ۝ قَالُوْٓا اٰمَنَّا
بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ رَبِّ مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ اٰمَنْتُمْ بِهٖ قَبْلَ
اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ ۚ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوْهُ فِي الْمَدِيْنَةِ لِتُخْرِجُوْا مِنْهَآ
اَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ
ثُمَّ لَاُصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِيْنَ ۝ قَالُوْٓا اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ۝ وَمَا تَنْقِمُ
مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا بِاٰيٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا ۚ رَبَّنَآ اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّ
تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ ۝ وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَذَرُ مُوْسٰى وَقَوْمَهٗ
لِيُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَاٰلِهَتَكَ ۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ اَبْنَآءَهُمْ وَ
نَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّا فَوْقَهُمْ قٰهِرُوْنَ ۝ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِيْنُوْا
بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوْا ۚ اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُوْرِثُهَا مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۚ وَالْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِيْنَ ۝ قَالُوْٓا اُوْذِيْنَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَاْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ
قَالَ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرَ
كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ۝ وَلَقَدْ اَخَذْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِيْنَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرٰتِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ۝ فَاِذَا جَآءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوْا لَنَا هٰذِهٖ ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ

سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ   وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا
نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ   فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ
وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ   وَلَمَّا وَقَعَ
عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ
لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ   فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ
أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ   فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ   وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا
يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ
كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ
يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ   وَجَاوَزْنَا بِبَنِي
إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى
اجْعَلْ لَنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ   إِنَّ هَٰؤُلَاءِ
مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ   قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا

جُزوه

۳۸

اخگر

نشریه و چاپخانه

نشانی تلگرافی : تهران - اخگر

نشانی پستی : میدان ژاله خیابان بهزادی تلفن ۳۷۵۸۸